مجله سلامت معنوی
دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۴۰۱
صفحات: ۱۳۸-۱۳۶
10.30491/JSH.1.3.136

خلاء معنویت در فتنه و اغتشاشات اخیر

The Void of Spirituality in the Recent Sedition and Riots

سرمقاله

بحران اخیر در کشور را می‌توان از زاویه عوامل زمینه‌ساز (داخلی و خارجی)، عوامل آشکارساز، عوامل تشدید کننده و عوامل تداوم بخش مورد بررسی قرار داد. از جمله عوامل زمینه‌ساز داخلی می‌توان به مشکلات اقتصادی (تورم، بیکاری، فقر، ...)؛ تفاوت در گفتار و رفتار مسئولین، کاهش سرمایه اجتماعی (نا امیدی نسبت به آینده، تصمیم‌گیری‌های غلط و انتقادناپذیری)؛ کاهش عدالت اجتماعی (بی‌عدالتی و مهمتر از آن احساس بی‌عدالتی)؛ تبعیض و فاصله طبقاتی؛ نقش فضای مجازی؛ نقش رسانه‌ها (بزرگ کردن سلبریتی‌ها)؛ وجود جریان نفوذ در همه سطوح دولت و شناخت ناکافی و تعامل نامناسب و محدود با نوجوانان و جوانان، کم‌توجهی به مسائل فرهنگی و انتخاب راه‌های مناسب برای مقابله با آسیب‌های فرهنگی و ... اشاره کرد.

از طرفی عوامل خارجی که در این بحران نقش داشتند را می‌توان به دشمنان جمهوری اسلامی ایران با سردمداری امریکا و غرب اشاره کرد که استقلال و اقتدار جمهوری اسلامی ایران برایشان قابل تحمل نیست و به انحای مختلف درصدد فروپاشی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هستند. دشمنان با دادن حجم وسیعی از آمارهای دروغ سعی در القای حس بدبختی در مردم ایران دارند. ضمن اینکه احساس بدبختی از خود بدبختی رنج‌آورتر است. به‌علاوه با راه‌اندازی شبکه‌های متعدد ماهواره‌ای (از جمله: من و تو، صدای امریکا، ایران اینترنشنال، بی بی سی، ایران فردا، ...) سعی در ترویج این القائات را دارند. افزون بر آن پروژه‌های متعددی از جمله پروژه تقسیم ایران؛ پروژه حمله منافقین (عملیات مرصاد)، پروژه سوریه‌سازی ایران؛ پروژه حمله داعش؛ پروژه هزار خنجر، پروژه تحریک معلمان، دانش آموزان، دانشجویان، کارگران، سلبریتی‌ها و ... و با استفاده از تکنیک‌های روانشناختی تغییر رفتار، مدیریت ذهن، عملیات روانی، جنگ ترکیبی و ... را برای سقوط نظام طراحی کردند. یکی از علت‌های تاثیر عملیات روانی برجوانان، دوری آن‌ها از ارزش‌های معنوی انقلاب و ضعیف بودن یا نبود نقش تربیتی در مدرسه و دانشگاه است.

در بحران اخیر، عوامل آشکارساز که مانند کشیدن کبریت در انبار باروت عمل می‌کند، بازداشت مهسا امینی و فوت او بود. ولی این رویداد فقط یک بهانه بود. اگر این اتفاق نمی‌افتاد، مطمئناً دنبال اتفاق دیگری بودند. رفتارهای هنجارشکنانه و دشنام‌هایی که در بعضی از دانشگاه‌ها داده شد و بعضاً خودداری بعضی از اساتید و معلمان از حضور در کلاس درس نشان داد که قصور معنوی در دستگاه‌های مسئول پیشینه بلندی دارد.

توطئه، تحریک، مداخله، تشویق و حمایت کشورهای دشمن از اغتشاشگران؛ فرصت طلبی و خرابکاری گروه‌های تجزیه‌طلب؛ اعتراض به تضییع حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی؛ اعتراض به گشت ارشاد؛ اعتراض به حجاب اجباری؛ اعتراض به نادیده گرفته شدن حقوق زنان؛ موضع‌گیری و تحریک سلبریتی‌ها؛ تحریک سازمان منافقین، سلطنت طلبان و سایر گروه‌های مخالف نظام؛ و ... از یک سو و از سوی دیگر تاخیر در اطلاع‌رسانی به موقع و مناسب از سوی رسانه ملی و مسئولین به عنوان عوامل تشدید کننده در این بحران بودند.

افزون بر عوامل فوق، عوامل متعددی در تداوم این بحران نقش داشتند. از جمله حمایت از اغتشاشگران از سوی تعداد قابل توجهی از سیاست مداران امریکا و اروپا از جمله بایدن، رئیس جمهور امریکا: "ایران را آزاد می کنیم"، رئیس مجلس نمایندگان امریکا، کلینتون، وزرای خارجه امریکا، کانادا، سوئد، آلمان، بلژیک، اسپانیا، شیلی، فرانسه، و ...؛ هنرپیشگان، سینماگران، فوتبالیست‌ها، موسیقی‌دانان، و ...؛ ملاقات رئیس جمهور فرانسه با یک مخالف معاند (مسی علینژاد)؛ ملاقات صدراعظم آلمان با علی کریمی و ۵ دقیقه ویدئو که ما نگرانیم. بمباران رسانه‌ای با اخبار کاملاً دروغ (مثلاً یکی از نیروهای انتظامی به دختر ۱۴ ساله تجاوز کرد). به‌دنبال آن انفجار و آتش زدن بازار و حمله به پاسگاه‌ها در سیستان و بلوچستان و ...؛ ارسال تعداد زیادی اسلحه و مواد مخدر (کشف شده توسط فراجا، وزارت اطلاعات و ...) از کانال‌های مختلف؛ تعیین رئیس جمهور برای ایران توسط مقام امریکایی، آن

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-09-09]
[DOI: 10.30491/JSH.1.3.136]

هم یکی از شقی‌ترین تروریست‌های شناخته شده؛ تامین مالی اغتشاشگران (اعتراف برخی از دستگیر شدگان توسط وزارت اطلاعات)؛ کشته‌سازی‌های مختلف به انحاء و اشکال مختلف و ...؛ تشویق مخالفین و معترضان خارج‌نشین که نفرت مطلق از نظام دارند و تنها سرنگونی نظام را دنبال می‌کنند، و ... از جمله عوامل تداوم بخش خارجی بود. از جمله عوامل تداوم بخش در داخل کشور تشویق به نخریدن محصولات شرکت‌های بزرگ (مثل شرکت میهن و ...)؛ تشویق به بیرون کشیدن پول‌ها از بانک‌ها؛ تشویق به عدم شرکت در کنکور؛ تبلیغ در مورد اینکه هر ایرانی که در خیابان اعتراض نمی‌کند، خائن است؛ تشویق به آشوب و براندازی و ارائه روایت‌هایی یکسویه که جَوّ نگرانی از آینده را در دل مردم پررنگ می‌کنند و خطاها و ناکارآمدی‌ها را برجسته می‌سازد؛ تشویق به خشونت بیشتر مثل: بازکردن ریل راه آهن تبریز به تهران در محدوده قزوین (که با گزارش یک دامدار خنثی شد)؛ تشویق به بی‌حجابی (با شروع چهارشنبه‌های سفید و با استفاده از روش رفع حساسیت تدریجی)؛ تشویق به عمامه پرانی و ... بود.

پیامدهای بحران به دو بخش پیامدهای فوری و پیامدهای بلندمدت تقسیم می‌شوند. پیامدهای فوری بحران عبارتند از: دو قطبی شدن جامعه (به شکل خودی- غیرخودی/ طرفدار- مخالف/ با حجاب- بی‌حجاب/ مذهبی- غیرمذهبی/ مردم- مسئولین/ بسیجی- غیربسیجی و ...)؛ تشدید نفرت در بین مردم؛ تشدید خشونت در جامعه؛ کاهش سطح سلامت روانی مردم؛ بالا رفتن هزینه سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی؛ زیان‌های اقتصادی برای مردم و دولت؛ زیان‌های ناشی از قطع اینترنت؛ ضعیف شدن مواضع دولت در صحنه بین‌المللی؛ جری شدن مردم برای مقابله با نیروی انتظامی؛ تشدید بی حجابی و ... پیامدهای احتمالی بلندمدت این بحران نیز عبارتند از: تکرار اغتشاشات با شدت و آسیب بیشتر؛ تشدید شکاف‌های قومی و مذهبی؛ رشد تمایلات تجزیه طلبانه و افزایش خطر تجزیه؛ کاهش مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم در امور کشور (از جمله انتخابات آینده و ...)؛ کاهش مشروعیت نظام؛ افزایش مهاجرت بویژه مهاجرت افراد تحصیل‌کرده؛ جنگ داخلی و تمایلات تجزیه طلبانه؛ فشار اقلیت جامعه (اغتشاشگران) بر اکثریت جامعه و ... .

برای پیشگیری از بحران‌های مشابه در آینده، راهکارهای کوتاه مدت و بلند مدتی وجود دارند. در کوتاه مدت اعتراض‌ها را بپذیریم و روش‌هایی که مردم را ناراضی می‌کند را متوقف کنیم. اشتباهات را بپذیریم و سیاست‌های غلط را تغییر دهیم و در صدد جبران آن برآییم. در غیر این صورت ناراضیان را ناراضی‌تر می‌کنیم و جَوّ ناامیدی گسترش می‌یابد و فضا را برای اغتشاگران و براندازان فراهم‌تر می‌کند. برخورد پدرانه با معترضین و برخورد شدید با اغتشاشگران (أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ- فتح/ ۲۹) داشته باشیم. گفتگو و مفاهمه را سرلوحه کار خود قرار دهیم، بجای برخوردهای تند و امنیتی؛ اعتماد و اطمینان مردم نسبت به عملکرد دولت را جلب کنیم؛ فضا و فرصتی برای تخلیه هیجانات نوجوانان و جوانان فراهم کنیم؛ فرصت‌هایی برای گفتگو و پاسخ به سؤال‌های نوجوانان و جوانان در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها فراهم کنیم؛ صدا و سیما انعکاس درست، دقیق، بجا و به موقع از وقایع داشته باشد تا شبکه‌های معاند نتوانند سوء استفاده کنند. در رسانه‌های جمعی و فضای مجازی حضور فعالانه پیدا کنیم، از خواص بخواهیم بی‌کفایتی را کنار بگذارند و فعالانه در جهت کمک به نسل جوان وارد صحنه شوند، اقتدار پلیس را با حمایت همه جانبه، حفظ کنیم و به سخنان مقام معظم رهبری اعتماد و اعتقاد قلبی داشته باشیم. در این رابطه روزنامه امریکایی یواس تودی به نقل از اندیشکده امریکن اینترپرایز می‌نویسد: "بزرگترین مشکل امریکا در ایران، حضور یک ابر حریف به نام آیت‌الله خامنه‌ای است که نقشه راه را می‌شناسد و مردم به او اعتماد آمیخته با اعتقاد دارند".

راهکارهای بلند مدت عبارتند از: توجه به نظرات افراد و احزاب مخالف، ناراضیان و معترضان و شنیدن نظرات آنان در صدا و سیما؛ درک درست از مطالبات ناراضیان و معترضان؛ تاکید بر اقتصاد، معیشت و رفاه مردم؛ حل اشتغال جوانان، حل آسیب‌های اجتماعی (فقر، طلاق، اعتیاد، روابط فرازناشویی، ....)؛ کنترل فساد مسئولین و آقازاده‌ها در هر سه قوه؛ مبارزه با اختلاس‌ها به‌طور جدی و ملموس؛ جلوگیری از رانت‌خواری‌های مسئولین و وابستگان آن‌ها؛ صداقت مسئولین در عمل نه در شعار؛ شفاف‌سازی امور؛ رفع تبعیض‌ها و نابرابری‌ها در همه امور و سطوح کشور؛ تلاش همه‌جانبه برای ترمیم سرمایه اجتماعی کشور؛ خودداری از روش‌های حذفی در اداره امور؛ ایجاد زمینه برای حضور و مشارکت همه افرادی که به سرنوشت انقلاب و ایران علاقه‌مند هستند (با هر قومیتی، هر خط سیاسی، هر مذهبی و ...)؛ شناخت ویژگی‌های روانی- اجتماعی نسل جدید؛ شناخت نیازها و خواسته‌های زنان و تسهیل برای حضور بیشتر آنان در جامعه و پست‌های مدیریتی بالا؛ ارتقا و تقویت هویت ایرانی- اسلامی؛ ارتقا و تقویت سرمایه روان‌شناختی آحاد جامعه (امیدآفرینی، خوش‌بینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی)؛ آسیب‌شناسی به منظور مشارکت بیشتر مردم در انتخابات؛ به رسمیت شناختن حق اعتراض مردم و مدیریت صحیح آن؛ جدی گرفتن جهاد تبیین. مدیریت فضای مجازی: (دشمن از لحاظ خبردهی، خبررسانی و تحلیل داده‌ها آنگونه که خودشان می‌خواهند، ذهن جوانان را مدیریت کرده و می‌کند. دشمن مقیاس درگیری را از جنگ در عرصه عالم عینی به عالم حکمرانی مجازی و سایبری تغییر داده است و به شدت تلاش می‌کند حکمرانی مجازی را گسترش دهد). ما باید سطح توان خودمان را بالا ببریم. ایجاد و تقویت نهادهای میانجی تا بتواند مطالبات مردم ناراضی (اکثریت مردم) را از نظام مطالبه و پیگیری کند. سازمان‌های مردم نهاد (NGO) و اتحادیه‌ها و انجمن‌ها

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-09-09]

[DOI: 10.30491/JSH.1.3.136]

(علمی و صنفی) و رسانه‌ها (سریال‌های خانگی، تلویزیون‌های کابلی و مطبوعات)، که مستقل از دولت شکل گرفته‌اند می‌توانند نقش میانجی را ایفا کنند و اعتماد را به تدریج بازگردانند. علاوه بر همه موارد فوق که هر یک از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند، به نظر می‌رسد لازم است تجدیدنظر اساسی در نقش واقعی آموزش و پرورش، رسانه ملی، حوزه‌های علمیه، سازمان‌های فرهنگی و تبلیغاتی و ... به منظور تقویت باورهای دینی و معنوی در آحاد جامعه بویژه کودکان، نوجوانان و جوانان صورت گیرد. بحران اخیر نشان داد نظام در تحکیم باورهای دینی و معنوی، کوتاهی‌هایی داشته است و نیاز به تجدیدنظر اساسی وجود دارد.

توجه به سلامت معنوی و نهادینه کردن آن در دوره‌های مختلف رشد و تکامل کودکان و نوجوانان و پررنگ کردن نقش تربیتی و پرورشی در مدارس و دانشگاه‌ها، معرفی الگوهای سلامت معنوی به قشر جوان، استفاده از تجارب دفاع مقدس و جهادگران برای به‌کارگیری جوانان در صحنه‌های فداکاری و جهاد می‌تواند عامل بازدارنده در الحاق جوانان به فتنه و اغتشاش باشد.

علی فتحی آشتیانی، حسن ابوالقاسمی
سردبیر مجله

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-09-09]

[DOI: 10.30491/JSH.1.3.136]